

نقش متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستایی

مطالعه موردی: شهرستان سمیرم

جعفر جوان^۱، سید امیرمحمد علوی‌زاده^۲ و مهدی کرمانی^۳

چکیده

روستا و اقتصاد روستایی از بدو پیدایش تاکنون قرابت زیادی با کشاورزی و زیربخش‌های آن بویژه زراعت و باغداری داشته است تا جایی که این نزدیکی را در تعاریف ارائه شده از روستا نیز می‌توان شاهد بود. شکل‌گیری چنین ساختار اقتصادی ویژگی‌های فراوانی دارد و مهمترین آنها عدم تنوع در زمینه‌های شغلی و محدودیت منابع درآمدی به کشاورزی و زیربخش‌های آن است که با توجه به سیر تحول و تکاملی فضاهای روستایی چالش‌هایی را در ابعاد مختلف زندگی روستایی سبب شده است. در قالب الگوی توسعه پایدار، پایداری معیشت و امنیت اقتصادی در نواحی روستایی اهمیتی بسیار اساسی دارد زیرا از طرفی باید با افزایش کارآیی، میزان بهره‌وری از ظرفیت‌ها و توان‌های بالقوه و بالفعل موجود در فعالیت‌های اقتصادی را افزایش داد و از طرف دیگر جهت تضمین استمرار معیشت، ایجاد اشتغال و درآمد اقدام به متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در فضاهای روستایی نمود. اتخاذ چنین راهبردی از طریق کارکردهای خود در شرایط نامساعد طبیعی و انسانی، پایداری سکونت را در این نواحی تضمین خواهد نمود. اقتصاد روستایی و شهرستان سمیرم بواسطه تک محصولی بودن در سال‌های اخیر با چالش‌هایی در ابعاد محیطی، اقتصادی، اجتماعی روبرو شده است که این چالش‌ها وضعیت نامطلوبی را در عرصه‌های مختلف روستانشینی سبب شده است. در این مقاله به بررسی این مسأله و نقش تنوع فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار منطقه پرداخته شده است. به منظور دستیابی به اطلاعات موردنیاز جهت سنجش فرضیه و متغیرهای مورد تحقیق، از روش‌های پیمایشی و اسنادی بهره گرفته شده و داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و Spss جهت انجام آزمون‌های معناداری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان‌دهنده آن است که عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی خانوارهای مورد بررسی در منطقه مورد مطالعه شرایط نامساعدی را برای خانوارهای دارای چنین ویژگی سبب شده است درحالی که خانوارهای دارای تنوع منابع درآمدی در بخش‌های کشاورزی و غیر کشاورزی وضعیت به نسبت مطلوب‌تری را در شاخص‌هایی چون آموزش، ثبات درآمدی، کیفیت زندگی، آسیب‌پذیری دارا بوده‌اند.

کلیدواژگان: متنوع‌سازی، نواحی روستایی، توسعه پایدار، فعالیت‌های اقتصادی، شهرستان سمیرم.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. عضو هیئت علمی گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور.

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

روستا و اقتصاد روستایی از بدو پیدایش تاکنون قرابت زیادی با کشاورزی و زیربخش‌های آن بویژه زراعت، باغداری و... داشته است تا جایی که این نزدیکی را در تعاریف ارائه شده از روستا نیز می‌توان شاهد بود (روستا=کشاورزی). چنین ساختار اقتصادی ویژگی‌های فراوانی دارد و مهمترین آنها عدم تنوع در زمینه‌های شغلی و محدودیت منابع درآمدی به کشاورزی و زیربخش‌های آن خواهد بود. هرچند چنین ساختاری در گذشته با توجه به اقتصاد بسته و ویژگی‌های روستاها و روستائیان قابلیت دوام و ادامه حیات داشت ولی با گسترش بازار و تأثیر انکارناپذیر آن بر فضاهای روستایی و ناپایداری‌های موجود در ابعاد مختلف طبیعی، اقتصادی و اجتماعی، بویژه در کشورهای توسعه نیافته، نخواهد توانست پایداری سکونت و معیشت را در نواحی روستایی این کشورها تضمین نماید. از سوی دیگر در فرایند توسعه اقتصادی خروج نیروی انسانی از بخش کشاورزی و کاهش سهم این بخش در تولید ناخالص ملی اجتناب‌ناپذیر و امری معمول است. در چنین وضعیتی یا باید شاهد مهاجرت روستائیان از نواحی روستایی و سکونت آنها در شهرها باشیم که علاوه بر فشار بیشتر بر ساختار ناتوان شهرها، افزایش آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی را در این فضاها بدنبال خواهد داشت و یا با انتخاب سیاست‌های متناسب و استراتژی‌های مطلوب، با رعایت حقوق اجتماعی و اقتصادی زمینه سکونت جمعیت را در فضاهای روستایی به عنوان قاعده نظام سکونت در فضای ملی، فراهم نماییم. یکی از مهمترین استراتژی‌های ارائه شده در جهت کاهش اثرات منفی ناشی از ناپایداری در ابعاد مختلف محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی بر فضاهای روستایی در چارچوب الگوی توسعه پایدار، رعایت اصل تنوع در فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی است. تحقیق حاضر بر آن است تا ویژگی‌های چنین استراتژی و کارکردهای مختلف آنرا در ابعاد فوق‌الذکر در مناطق روستایی شهرستان سمیرم به عنوان فضایی با اتکاء بر تولید یک محصول خاص (سیب درختی) مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

طرح مسأله تحقیق

اساساً حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده‌ی نظام و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند، چرا که توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به عنوان زیر نظام تشکیل‌دهنده نظام سرزمین است و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد و اگر در جریان پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی وقفه‌ای ایجاد شود آثار و پیامدهای آن نه تنها حوزه‌های روستایی، بلکه مناطق شهری و در نهایت کلیت سرزمین را دربر خواهد گرفت (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲). در ساختار اقتصادی نواحی روستایی کشورهای مختلف، کشاورزی محور اساسی تأمین معیشت به شمار آمده و در اغلب برنامه‌های توسعه نیز کشاورزی مهمترین و تنها رکن اقتصادی روستاها را شامل می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۲۱). مهمترین ویژگی چنین ساختاری، فقدان تنوع در بسترهای اقتصادی و فرصت‌های شغلی خصوصاً برای نیروی انسانی روبه افزایش روستایی می‌باشد که تا حدودی نشأت گرفته از نوع نگرش به روستا و سیاست‌گذاری‌های دولتی و عوامل درونی روستا است. چنین ساختار اقتصادی و شغلی در نواحی روستای مسائل خاصی را بدنبال داشته که از جمله آنها می‌توان به انعطاف کمتر در مقابل نوسانات کوتاه‌مدت آب و هوایی، نوسان قیمت محصول در زمان برداشت، محدودیت‌های بازاریابی و بازاریابی محصول، وابستگی بهره‌برداران به محیط خارج از روستا و بازارهای خارجی، وجود بیکاری آشکار و پنهان، کاهش بازده سرمایه، تخریب منابع پایه محیطی، آسیب‌پذیری اقتصاد روستایی و بی‌ثباتی منابع در آمدی، تضعیف اقتصاد و فرهنگ روستایی، مهاجرت روستایی، حاشیه‌نشینی و مسائل شهری اشاره نمود.

اغلب نظریه‌پردازان توسعه در راستای کاهش اثرات منفی چنین ساختاری و در چارچوب الگوی توسعه پایدار رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی را پیشنهاد نموده‌اند. بانک جهانی نیز در قالب الگوی فوق، بر اهمیت فعالیت‌های اقتصاد غیرزراعی و چندبخشی تأکید کرده است. در این نظریه برای پایداری اقتصادی روستایی و توسعه پایدار وجود تنوع یکی از ضروریات جوامع مختلف قلمداد شده و رعایت این اصل، ثبات و پایداری ساختارهای اقتصادی را تسهیل خواهد نمود (بانک جهانی، ۱۳۸۴: ۸۷). در این راستا منطقه مورد مطالعه به عنوان یکی از مصادیق

تک محصولی بودن، دارای مشکلاتی است که مهمترین آنها عبارتند از: محرومیت نسبی نواحی روستایی منطقه با وجود قابلیت‌های بالای محیطی، اختصاص بخش اعظم سطح زیر کشت منطقه به محصول سیب درختی و حضور کم‌رنگ سایر زمینه‌های فعالیت اقتصادی و تبعات آن در ساختار اقتصادی و اجتماعی منطقه، نوسانات اقلیمی در سال‌های اخیر و تبعات منفی آن در ساختار اقتصادی فعلی، مبهم بودن فضای صادرات و واردات محصولات کشاورزی و اثرات تخریبی روانی و اقتصادی چنین روندی بر خانوارهای تولیدکننده‌ی چنین محصولاتی (بویژه در سال‌های اخیر)، ساختار سنی جوان منطقه و لزوم ایجاد اشتغال مولد برای آنها و در نهایت ارتقاء سطح زندگی و رفاه ساکنین منطقه.

پیشینه تحقیق

بحث متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه برای بهبود رابطه مبادله و رشد اقتصادی این کشورها بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. از جمله نظریه‌پردازان اقتصادی که در این چارچوب فعالیت داشته‌اند می‌توان به افرادی از جمله پریس (۱۹۵۰) و هانس سینگر (۱۹۵۰) اشاره نمود. این افراد طی مطالعاتشان عنوان کردند که رابطه مبادله مواد اولیه نسبت به کالاهای صنعتی و یا رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته طی چند دهه اخیر کاهش یافته است. به همین دلیل بحث متنوع‌سازی در صادرات برای کشورهای در حال توسعه برای بهبود رابطه مبادله مطرح شده است. متنوع‌سازی در این مبحث به مفهوم تغییرات صادرات از مواد اولیه به کالاهای صنعتی و افزایش سهم و تعداد کالاهای صنعتی در صادرات غیرنفتی است (خدادادی، ۱۳۸۲: ۱). در ارتباط با مباحث توسعه‌ی روستایی، بانک جهانی در استراتژی موسوم به «از تصور تا عمل» به این مسأله اذعان نموده است که فقرزدایی می‌بایست از روستا شروع گردد و نکته مهم در این استراتژی توجه به ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی در محیط روستا است. براساس رویکرد جدید بانک جهانی رشد بخش کشاورزی برای فقرزدایی در کشورهای در حال توسعه یک ضرورت اساسی است. اما بدون رشد در فعالیت‌های تولیدی درآمدزای غیرزراعی روستایی، تلاش‌های فقرزدایی روستایی با موفقیت همراه نخواهد بود. در این رویکرد گسترش حمایت

مؤثر از اقتصاد غیرزراعی روستایی بخش مهم راهبرد توسعه روستایی محسوب می‌شود (مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۵) که نتایج زیر را می‌توان برای آن متصور بود:

۱- فعالیت‌های متنوع اقتصادی توانایی جذب حجم زیادی از نیروی انسانی مازاد روستایی را دارا است. به طوری در کشور چین بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۵ حدود ۲۲ میلیون نفر از نیروی کار از فعالیت‌های زراعی خارج و جذب سایر فعالیت‌های ایجاد شده در نواحی روستایی شده‌اند (World Bank, 2005: ۴۴).

۲- توجه و توسعه سایر فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی توانایی افزایش سریع درآمد روستائیان را دارا است. از سوی دیگر گسترش چنین فعالیت‌هایی در تغییر عقاید سنتی افراد مؤثر خواهد بود به طوری بر اساس گزارش‌هایی که از مناطق مختلف چین و مصر تهیه شده است با گسترش فعالیت‌های غیرزراعی مفاهیمی چون زمان، بازار، رقابت، حسابداری و کارآفرینی که در جامعه سنتی غالباً موردتوجه قرار نمی‌گیرد اکنون بسیار پررنگ شده بودند (World Bank, 2001: ۲۱).

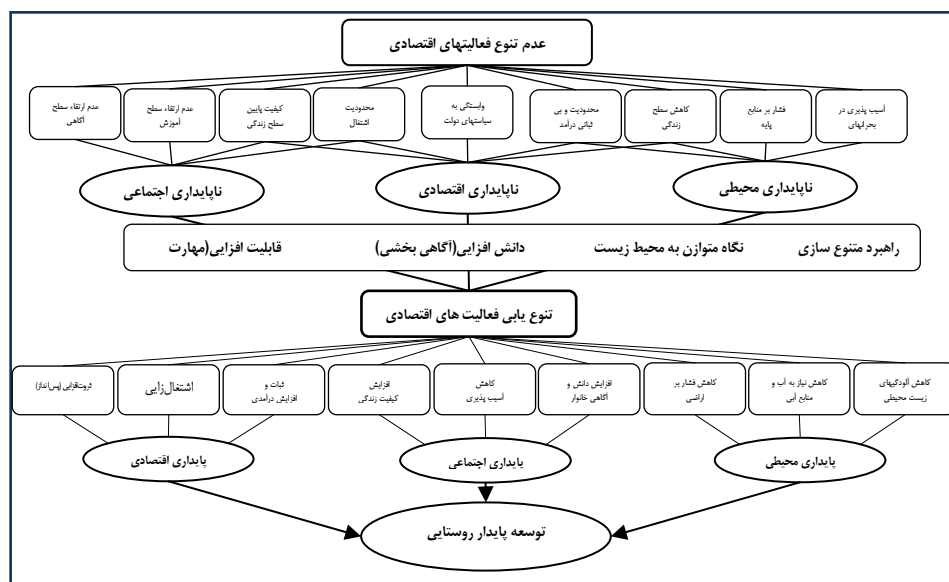
۳- توسعه فعالیت‌های غیرزراعی می‌تواند به ایجاد اشتغال محلی کمک شایان توجهی نماید و مانع از خروج سرمایه‌های مادی و انسانی از نواحی روستایی گردد (World Bank, 2000: 34).

۴- فعالیت‌های غیرزراعی نابرابری درآمدی را در نواحی روستایی با افزایش درآمد خانوارهای فقیر نسبت به خانوارهای پردرآمد کاهش داده است (World Bank; 2001).

۵- این فعالیت‌ها شیوهی بسیار مهمی برای افزایش درآمد کل اقتصادی و اشتغال هستند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه فعالیت‌های غیرزراعی بیش از ۵۰ درصد از اشتغال و درصد مشابهی از درآمد خانوار را بخود اختصاص می‌دهد. میانگین سهم اینگونه درآمدها از درآمد کل حدود ۴۲ درصد در آفریقا، ۴۰ درصد در آمریکای لاتین و ۳۰ درصد در آسیا است. درآمد حاصل از فعالیت‌های غیرزراعی فقط در افزایش درآمد کل تأثیرگذار نبوده بلکه به عنوان منبع درآمد مطمئنی نیز به حساب می‌آید (World Bank. 1995).

در ارتباط با سوابق موضوع مورد مطالعه در منطقه مورد مطالعه و حتی در سطح ملی مطالعه‌ای به شکل حاضر در راستای بررسی خانوارهای دارای تنوع درآمدی و نقش آن در ابعاد مختلف

اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی حیات روستایی صورت پذیرفته هر چند که در منابع مختلف مربوط به توسعه و برنامه‌ریزی روستایی و حتی در قوانین توسعه پنج‌ساله کشور در مواردی نظیر برنامه اول توسعه فصل چهارم بند ۲۴، برنامه دوم توسعه فصل ششم ماده ۶ بند ۳ و ۴، برنامه چهارم توسعه ماده ۷۵، بند ح و فصل هشتم ماده ۹۵ و حتی در سیاست‌های کلی برنامه چهارم ابلاغیه مقام معظم رهبری نیز در بندهای ۴۳ و ۴۵ مورد تأکید قرار گرفته است.



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

فرضیه تحقیق

در این تحقیق فرضیه زیر مطرح و مورد آزمون قرار گرفته است:
 بین ناپایداری شرایط جامعه روستایی (اجتماعی، اقتصادی، محیطی) و عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی رابطه مستقیمی وجود دارد.

روش تحقیق

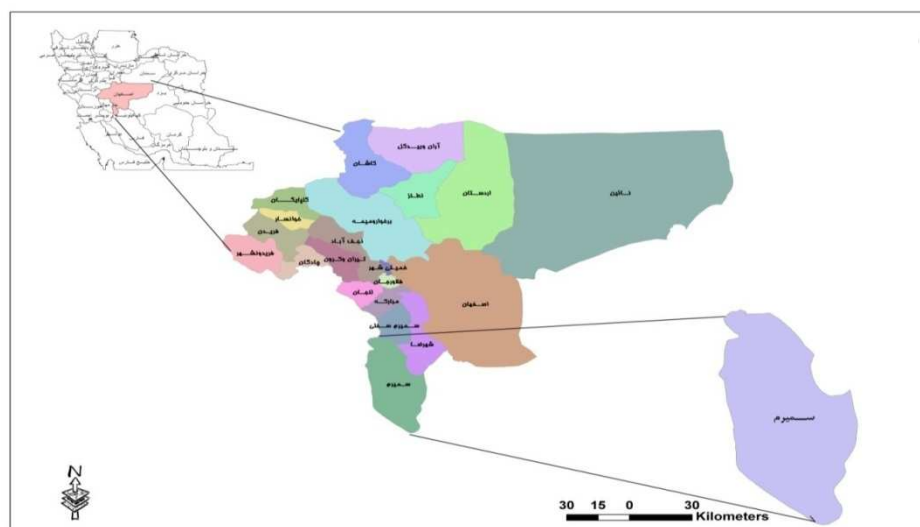
پژوهش پیش رو از نوع کاربردی بوده و از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی جهت بررسی پارامترهای مورد بررسی سود جسته و همانند سایر تحقیقات دارای دو بخش عمده جهت انجام بوده است. بخش اول را مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و استفاده از ابزارهای اینترنتی جهت بررسی مواردی چون ادبیات موضوع، پیشینه تحقیق، مفاهیم بنخود اختصاص داده و بخش دوم در قالب پژوهش‌های میدانی و پیمایشی جهت جمع‌آوری اطلاعات و سپس تدوین و تکمیل پرسشنامه انجام پذیرفته است. روایی^۱ پرسشنامه تهیه شده از طریق روایی صوری و محتوایی و با تایید کارشناسان مربوطه انجام شد و پایایی^۲ آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با مطالعه مقدماتی در بین ۳۰ نفر از جامعه آماری مورد مطالعه در چهار روستای دیده‌جان، مهرگرد، خفر و قنات انجام گردید که ضریب به دست آمده در این رابطه ۰/۹۲ برآورد گردیده است که با توجه به آستانه‌های در نظر گرفته شده در منابع علمی معتبر، از قابلیت اعتماد مطلوبی برخوردار است. در نهایت از جامعه آماری مورد تحقیق (۱۰۲ روستای مسکون شهرستان سمیرم) تعداد ۲۵ روستا از طریق فرمول کوکران و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد انتخاب و از بین خانوارهای روستایی ساکن در این روستاها و براساس فرمول فوق‌الذکر ۴۲۳ خانوار به عنوان واحد تحلیل انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. در مراحل بعدی تحقیق استخراج داده‌های گردآوری شده در غالب پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Excel صورت گرفته و از آزمون‌های آماری مرتبط جهت آزمون فرضیه استفاده شده است.

منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه شهرستان سمیرم در فاصله ۱۶۵ کیلومتری جنوب شهر اصفهان واقع گردیده است. وسعت شهرستان در حدود ۵۲۲۴ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۱۳۸۵ در

-
1. Validity
 2. Reliability

حدود ۷۳۰۴۵ نفر بوده که در ۶ دهستان، ۴ شهر و ۱۰۲ روستا سکونت دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). مهمترین رکن فعالیت‌های اقتصادی شهرستان و نواحی روستایی آنرا فعالیت‌های کشاورزی تشکیل می‌دهد و از بین اشکال گوناگون تولید کشاورزی، کشت و تولید سیب درختی جایگاه ویژه‌ای دارد. براساس آمار کشاورزی سال ۱۳۸۲ سطح زیرکشت این محصول در حدود ۱۱۱۲۵ هکتار بوده (در سال ۱۳۸۷ این رقم به ۱۹۰۰۰ هکتار افزایش یافته است) که نزدیک به ۳۹ درصد از کل اراضی کشاورزی را شامل می‌شود و بقیه زیرکشت سایر محصولات بویژه گندم دیم است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲). کشت محصول سیب در منطقه از اواخر دهه ۴۰ آغاز شده و در حدود ۹۰ درصد از درآمد منطقه و خانوارها را شامل می‌شود و براساس برآوردهای انجام شده در حدود ۸۳/۶۴ درصد از درآمد ناخالص محصولات آبی و ۷۸/۰۹ درصد از کل محصولات کشاورزی شهرستان به سیب درختی اختصاص دارد (جهاد کشاورزی شهرستان سمیرم، ۱۳۸۷). هرچند که سیب درختی محصولی دارای مزیت نسبی در مقایسه با سایر محصولات کشاورزی منطقه است (سازمان جهاد کشاورزی اصفهان، ۱۳۸۵: ۱۲).



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی شهرستان سمیرم

رشد خارج از برنامه و سیاست‌گذاری، با توجه به چالش‌های اساسی در محیط‌های گوناگون طبیعی و انسانی مشکلاتی را جهت منطقه و ساکنین فراهم نموده است از جمله: آسیب‌پذیری شدید اقتصاد منطقه در شرایط نامساعد آب و هوایی همچون خشکسالی و سرمازدگی (بوژه در سال‌های اخیر)، محدودیت‌های اشتغال در ساختار فعلی تولید، بیکاری آشکار و پنهان، تخریب و فشار بالا بر منابع پایه محیطی در راستای تبدیل اراضی زراعی و منابع ملی به باغات سیب، حجم بالای تولید و محدودیت بازاریابی و بازاریابی محصولات تولیدی و متعاقب آن عدم امکان کنترل قیمت و نوسان قیمت محصولات تولیدی (با توجه به مبهم بودن فضای صادرات و واردات در چند سال اخیر)، وجود مالکیت غایب در منطقه و محدودیت منابع تولید کشاورزی (بوژه آب و زمین) جهت نیروی انسانی جوان و جویای کار منطقه که عوامل مذکور باعث شکل‌گیری عدم تعادل‌های فضایی در بین نواحی شهری و روستایی، درآمدهای واصله در بخش کشاورزی و سایر بخش‌ها شده و شرایط نامساعدی را بر اقتصاد منطقه و خانوارهای ساکن به وجود آورده است و به طور کلی علی‌رغم کشت محصولی با مزیت نسبی بالاتر نسبت به سایر محصولات نمی‌توان شاهد پایداری در ابعاد متخلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی در منطقه مورد مطالعه بود.

جدول ۱: سطح زیرکشت و راندمان تولید محصولات کشاورزی شهرستان سمیرم در سال ۸۷-۱۳۸۶

محصولات باغی	سطح زیرکشت (هکتار)	عملکرد (کیلوگرم در هکتار)	درصد	محصولات زراعی	سطح زیرکشت (هکتار)	عملکرد (کیلوگرم در هکتار)	درصد
سیب درختی	۱۹۰۰۰	۲۵۰۰۰	۹۷.۴	یونجه آبی	۲۴۰۰	۷۵۰۰	۱۲
آلبالو	۸۵	۲۰۰۰	۰.۴	یونجه دیم	۷۰۰	۵۰۰	۳.۵
گیلاس	۳۵	۲۵۰۰	۰.۲	گندم آبی	۵۰۰۰	۳۶۰۰	۲۵
آلو	۴۵	۳۵۰۰	۰.۲	گندم دیم	۸۰۰۰	۱۰۰۰	۴۰
هلو	۱۳۰	۶۰۰۰	۰.۷	جو آبی	۱۰۰۰	۳۵۰۰	۵
زردآلو	۷۰	۴۰۰۰	۰.۴	جو دیم	۴۰۰	۱۰۰۰	۲
انگور	۱۰۰	۵۰۰۰	۰.۵	سیب زمینی	۱۰۰۰	۲۵۰۰۰	۵
بادام	۱۰	۱۴۰۰	۰.۰۵	اسپرس آبی	۹۰۰	۲۲۰۰	۴.۵
به	۳۰	۷۰۰۰	۰.۱۵	اسپرس دیم	۶۰۰	۳۰۰	۳
جمع	۱۹۵۰۵	-	۱۰۰	جمع	۲۰۰۰۰	-	۱۰۰

منبع: مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان سمیرم ۱۳۸۷.

یافته‌های تحقیق**وضعیت فعالیت**

با توجه به نتایج به دست آمده، در سال ۱۳۸۸ از مجموع خانوارهای نمونه مورد بررسی ۸۸/۵ درصد دارای فعالیت اقتصادی و ۱۱/۵ درصد بیکار بودند. بررسی سن فعالان اقتصادی مورد نظر نشان‌دهنده آن است که متوسط سن آنها ۴۶/۸ سال بوده که این سن برای افراد شاغل در فعالیت‌های کشاورزی ۵۲/۷ و جهت افرادی که دارای تنوع فعالیت اقتصادی بوده یا در فعالیت‌های غیرکشاورزی مشغول بوده‌اند ۴۰/۹ بوده است به بیان بهتر میانگین سنی گروه دوم وضعیت مطلوبتری را نشان می‌دهد.

بررسی میزان تحصیلات فعالان اقتصادی مورد بررسی نشانگر آن است که در حدود ۳۹ درصد از آنها بیسواد بوده‌اند، ۴۴ درصد آنها تحصیلاتی در حد ابتدایی داشته، ۳/۳ درصد دارای تحصیلات راهنمایی بوده، ۸/۳ درصد دارای سواد دبیرستان بوده‌اند که از این میزان حدود ۵ درصد سواد نظری داشته و ۳/۳ درصد نیز دارای سواد فنی بوده‌اند و در نهایت ۳/۳ درصد از آنها دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم بوده‌اند. نکته دیگری که در ارتباط با مطالعه حاضر اهمیت دارد بررسی وضعیت آموزشی خانوارهایی است که در فعالیت‌های اقتصادی متنوع جهت تأمین درآمد خانوار شرکت داشته‌اند. نتایج این بررسی در جدول شماره ۲ ارائه شده است که نشانگر وضعیت به مراتب مطلوب‌تر این خانوارها در رابطه با متغیر مورد بررسی است به طوریکه در حدود ۷۱/۶۶ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و بالاتر بوده‌اند.

جدول ۲: وضعیت تحصیلی خانوارهای دارای فعالیت‌های متنوع اقتصادی

سطوح تحصیلی	بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان نظری	دبیرستان فنی	بالاتر
درصد	۱۳.۸۹	۱۴.۴۴	۲۷.۶	۱۶.۸۹	۱۸.۲۴	۸.۹۳

نوع فعالیت و اشتغال

نتایج به دست آمده نشان‌دهنده آن است که در حدود ۶۲/۷ درصد از فعالان اقتصادی مورد بررسی منحصراً در بخش باغداری و تولید سیب درختی مشغول به کار بوده و سایرین در سایر بخش‌ها و یا همزمان در باغداری و سایر فعالیت‌ها مشغول بوده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳: فعالیت‌های عمده‌ی اقتصادی در خانوارهای نمونه

درصد	فعالیت
۶۲.۷	منحصراً باغداری
۲۰.۰۵	پرورش دام و باغداری
۸.۶۸	باغداری، پرورش دام و سایر محصولات کشاورزی
۸.۵۶	فعالیت‌های غیرکشاورزی
۱۰۰	جمع

فعالیت‌های غیرکشاورزی نیز یکی از زمینه‌های ایجاد اشتغال و فعالیت در بین خانوارهای مورد مطالعه بوده است که حدود ۸/۵۶ درصد را بخود اختصاص داده و توزیع آن در جدول شماره‌ی ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: فعالیت‌های غیرکشاورزی و چگونگی توزیع آن

زمینه فعالیت	کارگری	قالیافی	خدمات فنی و عمومی	پرورش ماهی	سایر موارد	جمع
درصد فعالان	۳۰.۱	۸.۲	۵۳.۶	۶.۴	۱.۷	۱۰۰

نکته قابل توجه در رابطه با این فعالیت‌ها تعداد نیروی کار شاغل و زمان کار در طول سال است به طوریکه براساس یافته‌های تحقیق متوسط نیروی انسانی و زمان کار در طول سال در این قبیل خانوارها به مراتب بیشتر از خانوارهای دارای یک فعالیت خاص بوده است. متوسط روزهای کار در بخش تولید غلات ۱۲ روز و در بخش باغداری و پرورش سیب نزدیک به ۷۰ روز بوده است که بر این اساس نزدیک به ۶۲/۷ درصد از فعالان اقتصادی در حدود ۸۰/۸

درصد (۲۹۵ روز) از ایام سال را عملاً بیکار بوده و یا در طول روز میزان فعالیت آنها بسیار اندک بوده است. در حالی که خانوارهایی که دارای فعالیت‌های اقتصادی چندگانه‌ای بوده‌اند به مراتب تعداد روزهای کاری بالاتری را دارا بوده‌اند که میانگین به دست آمده در این رابطه نزدیک به ۱۱۹ روز در بخش کشاورزی و ۲۰۳ روز در بخش غیرکشاورزی و یا مرتبط با کشاورزی بوده است. در ارتباط با تعداد نیروی کار هر یک از خانوارها نیز قابل ذکر است که متوسط نیروی کار (تمام وقت در طول فصل رشد و تولید محصول) در بخش باغداری ۱/۷ نفر، در بخش باغداری و پرورش دام ۳/۴ نفر، در بخش باغداری پرورش دام و سایر محصولات کشاورزی ۳/۹ نفر و در فعالیت‌های غیرکشاورزی و یا مرتبط با آن که در کنار سایر فعالیت‌های ذکر شد در بالا قرار داشته نزدیک به ۵/۲ نفر مشغول به فعالیت بوده‌اند که این مسأله نشان از توانایی ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمدی برای افراد خانوار در صورت اشتغال و فعالیت در حوزه‌های چندگانه کار و فعالیت بوده است. در این ارتباط نیروی کار خانوادگی نیز قابل اهمیت است. در زمینه کار خانوادگی در حدود ۸۴/۳۷ درصد از خانوارهای مورد مطالعه در این تحقیق دارای کار خانوادگی بوده‌اند. متوسط تعداد افراد خانواده فعال در این کارها ۲/۴ نفر بوده است. کار خانوادگی ضمن اینکه نشان‌دهنده استحکام روابط خانوادگی سنتی در این واحدها است، باعث انتقال دانش بومی و سنتی از نسل‌های پیشین به آیندگان می‌شود. ضمن اینکه نسل دوم با شناختی که از محدودیت‌ها، اشکالات و نیز فرصت‌ها به دست آورده است می‌تواند در طول زمان نسبت به رفع این مشکلات اقدام نماید. علی‌رغم مزایای ذکر شده باید در نظر داشت که وجود تعداد افراد بیشتری از خانواده در واحدهای اقتصادی، در صورت کوچکی واحد می‌تواند نشان‌دهنده وجود بیکاری پنهان بوده باشد و در کاهش سطح زندگی و رفاه خانواده مؤثر واقع گردد.

در ارتباط با نوع فعالیت رابطه عامل توپوگرافی به عنوان یک عامل متمایزکننده روستاها در سه تیپ روستاهای کوهستانی، دشتی و ترکیبی از این دو و تنوع فعالیت‌های اقتصادی مورد آزمون قرار گرفته است. لازم به ذکر است که با توجه به عدم وجود اطلاعات اقلیمی و خاکشناسی به تفکیک مناطق و روستاهای مورد مطالعه امکان وارد نمودن آنها در تحلیل مقدر نبوده و وضعیت توپوگرافیکی به عنوان عامل تأثیرگذار بر هر یک از عوامل فوق‌الذکر مورد بررسی قرار گرفت. براساس یافته‌های موجود تعداد ۲۹۶ خانوار منحصراً در بخش تولید

سیب درختی فعال بوده و ۱۲۷ خانوار دارای منبع درآمد متنوع بوده‌اند که بیشترین مورد آن مربوط به بخش خدمات با ۵۶ خانوار و کمترین آن خانوارهای دارای دو یا چند مورد فعالیت با ۴ خانوار بوده است. همچنین همان‌طور که از داده‌های جدول دریافت می‌شود تراکم مذکور در حوزه خدمات عمومی و کارگری در هر سه گروه روستایی مورد بررسی دارای وضعیت تقریباً مشابهی بوده است. برای آزمون معناداری بین نوع فعالیت اقتصادی و شرایط محیطی (توپوگرافی) در دو مرحله و بصورت زیر عمل شد:

ابتدا براساس آنچه در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود رابطه موجود بین وضعیت توپوگرافیک روستای محل سکونت خانوار و برخورداری یا عدم برخورداری از منابع متنوع درآمدی به کمک آزمون معناداری کای اسکوئر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل حاکی از عدم معناداری اختلاف مشاهده شده در سطح اطمینان مطلوب است ($\text{Sig.} = 0/108$).

جدول ۵: آزمون کای اسکوئر بین وضعیت توپوگرافیکی و تنوع منابع درآمدی

شرح	مقدار ضریب	درجه آزادی	سطح معناداری
ضریب کای اسکوئر	4.443(a)	2	.108
نسبت لای کلیهود	4.523	2	.104

در گام دوم به منظور بررسی تفاوت‌های احتمالی بین درآمد حاصل از فعالیت‌های غیرزراعی در میان خانوارهای روستایی ساکن در مناطق سه‌گانه مورد بررسی از آزمون F بهره گرفته شد. نتایج به دست آمده که در جدول شماره ۶ مشروح آن آورده شده است نشان‌دهنده عدم تفاوت معنادار بین میانگین درآمد خانوارهای روستایی از فعالیت‌های غیرزراعی در مناطق سه‌گانه مذکور است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت که نوع فعالیت اقتصادی در منطقه مورد بررسی متأثر از عواملی جدای از وضعیت توپوگرافیک و محیطی روستاها بوده است.

جدول ۶: رابطه وضعیت توپوگرافیکی و میزان درآمد غیر کشاورزی

سطح معناداری	ضرب f	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
بین گروهی	۰.۲۴۹	۲/۰۴۸	۲	۴/۰۹۶	
درون گروهی	-	۸/۲۱۱	۴۲۰	۳۴۴۸/۷۳۴	
کل	-	-	۴۲۳	۳۴۵۲/۸۳۰	

از موارد دیگری که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفت میزان تملک عوامل تولید در هر یک از خانوارهای دارا و فاقد تنوع در منابع درآمدی بوده است. در این راستا معناداری ارتباط بین چهار عامل اصلی تولید یعنی آب، زمین، ماشین آلات، نیروی کار و متغیر تنوع منابع درآمدی مورد آزمون قرار گرفت. بدین منظور از آزمون T Test برای سنجش معناداری اختلاف میانگین هر یک از عوامل فوق الذکر استفاده شد که نتایج حاصل به تفصیل در جدول شماره ۷ آورده شده است. براین اساس رابطه مورد بررسی در هر چهار مورد در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار بوده است. به عبارت دقیق تر مقایسه بین میانگین نمره مربوط به هر یک از عوامل تولید مورد بررسی در دو گروه دارا و فاقد تنوع منابع درآمدی نشان دهنده اختلاف معنادار آماری به نفع نمره های بالاتر برای میانگین گروه فاقد تنوع است.

جدول ۷: رابطه تملک عوامل تولید و تنوع یا عدم تنوع فعالیت های اقتصادی

آب			زمین			ماشین آلات			نیروی کار		
نمره میانگین			نمره میانگین			نمره میانگین			نمره میانگین		
دارای تنوع	فاقد تنوع		دارای تنوع	فاقد تنوع		دارای تنوع	فاقد تنوع		دارای تنوع	فاقد تنوع	
۷/۰۵۵۱	۹/۴۶۹۳	۱/۰۱	۱/۳۵	۰/۶۸۲۴	۱/۴۷۶۲	۵/۰۲	۵/۹۹				
t	df	Sig	T	df	Sig	t	df	Sig	t	df	Sig
-۲/۷۴۳	۴۱۷	۰/۰۰۷	-۲/۷۱۳	۴۱۶	۰/۰۰۰	-۶/۳۷۴	۴۲۰	۰/۰۰۰	-۴/۹۷۳	۴۲۰	۰/۰۰۰

در واقع این مسأله بیانگر آن است که تنوع منابع درآمدی ضمن آن که خود ماهیتاً می تواند افزایش درآمد برای خانوارهای روستایی را به دنبال داشته باشد اما حداقل در منطقه مورد بررسی برخورداری بیشتر از سرمایه های طبیعی و مادی تضمین کننده گرایش بیشتر به سوی

متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی نبوده است بلکه دست بر قضا بهره‌مندی کمتر از بضاعت‌های طبیعی و امکانات مادی که عمدتاً آنها را در قالب عوامل سنتی تولید روستایی یعنی آب، زمین، ابزارآلات و نیروی کار می‌شناسیم می‌تواند به صورت مستقیم و یا بواسطه عواملی دیگر به تمایل خانوارهای روستایی در جهت حرکت به سوی بهینه‌سازی امکانات در اختیار و اعمال مدیریت‌های مطلوب‌تر یاری رسانده که یکی از عمده‌ترین دستاوردهای چنین بهینه‌سازی و مدیریتی را می‌توان در گرایش بیشتر به متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی مشاهده نمود. به منظور بررسی رابطه بین برخورداری روستائیان از آموزش و نوع فعالیت‌های اقتصادی آنها، با توجه به داده‌های موجود در این زمینه به طریق ذیل عمل گردید:

ابتدا رابطه بین سطح معناداری آموزش عمومی (نظری یا فنی) روستائیان با نوع فعالیت اقتصادی (متنوع یا غیرمتنوع) به کمک آزمون معناداری کای اسکوئر مورد بررسی قرار گرفت که نتایج به دست آمده حاکی از معناداری این رابطه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است.

جدول ۸: آزمون کای اسکوئر رابطه آموزش عمومی و تنوع یا عدم تنوع فعالیت‌ها

شرح	مقدار ضریب	درجه آزادی	سطح معناداری
ضریب کای اسکوئر	31.592(a)	5	.000
نسبت لای کلیهود	43.575	5	.000

همان‌گونه که از داده‌های جدول دو بُعدی زیر نیز پیداست رابطه مذکور نشان از همبستگی مستقیم بین سطح سواد و برخورداری از منابع درآمدی متنوع است. یکی از موارد جالب توجه در داده‌های ارائه شده مربوط به پاسخگویان با تحصیلات فنی و حرفه‌ای بوده است که به استثنای یک مورد همگی آنها دارای منابع درآمدی متنوع بوده‌اند.

جدول ۹: توزیع سطح تحصیلات در خانوارهای دارا و فاقد تنوع منابع درآمدی

سطح تحصیلات تنوع منابع درآمدی	بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان نظری	دبیرستان فنی	بالتر	جمع کل
خانوارهای دارای تنوع	۴۴	۲۹	۱۸	۹	۱۴	۱۴	۱۲۷
خانوارهای فاقد تنوع	۱۴۳	۱۴۲	۴	۳	۱	۲	۲۹۶
جمع کل	۱۸۷	۱۷۱	۲۲	۱۲	۱۵	۱۶	۴۲۳

همان‌طور که پیداست عمده پاسخگویان دارای سواد پایین (بیسواد یا سواد ابتدایی) بوده‌اند اما در عین حال در گذار از گروه بیسواد به گروه دارای سواد ابتدایی جمعیت دارای تنوع منابع درآمدی جهش قابل‌توجهی داشته است در حالی که تعداد افراد فاقد تنوع چندان تغییری نسبت به وضعیت قبل نکرده است و این موضوع نشان‌دهنده اثرگذاری نسبتاً شدید عامل آموزش بر گرایش به سمت متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در بین روستائیان است. در مرحله دوم رابطه بین برخورداری روستائیان از آموزش‌های ترویجی و بهره‌مندی آنها از منابع متنوع درآمدی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون معناداری T Student در این زمینه حاکی از تفاوت معنادار در میانگین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است ($\text{Sig.} = ۰/۰۰۰$). مقایسه میانگین نمره دو گروه که در جدول شماره ۱۰ قابل مشاهده است به وضوح بیانگر اثرپذیری متغیر تنوع منابع درآمدی از متغیر برخورداری از آموزش‌های ترویجی بوده است. به عبارت دیگر هر چه سطح بهره‌مندی روستائیان از آموزش‌های ترویجی بالاتر بوده امکان تنوع در منابع درآمدی آنها در سطح بالاتری قرار داشته است.

جدول ۱۰: میانگین و انحراف معیار متغیر برخورداری از آموزش‌های ترویجی در دو گروه مورد بررسی

آموزش‌های ترویجی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
خانوارهای دارای تنوع	127	.5884	1.41083	.08228
خانوارهای فاقد تنوع	295	.0952	.59905	.05337

میزان درآمد

جهت مقایسه درآمد و ثروت روستائیان دارا و فاقد منابع درآمدی متنوع شاخص‌های مورد تأکید عبارت بودند از: میزان درآمد، میزان پس‌انداز، کیفیت زندگی، داراییهای زراعی از قبیل زمین، حقاب و ماشین‌آلات کشاورزی و برخورداری از اتومبیل شخصی و کیفیت واحد مسکونی خانوار. نتایج حاصل از مقایسه میزان درآمد در دو گروه مورد بررسی حکایت از عدم معناداری اختلاف بین میانگین درآمدی دو گروه دارد ($\text{Sig.} = 0/276$) اما نباید از نظر دور داشت که با توجه به بررسی صورت گرفته خانوارهای دارای منابع درآمدی متنوع قاعدتاً از ثبات درآمدی بیشتری نسبت به گروه دیگر برخوردار بوده‌اند و این مسأله را می‌توان در رابطه با مواردی چون آزمون معناداری کای اسکوتر بین میزان پس‌انداز در دو گروه ($\text{Sig.} = 0/000$) ملاحظه کرد. از سوی دیگر شدت همبستگی بین دو متغیر تنوع در منابع درآمدی و پس‌انداز نیز حدود ۰/۴ محاسبه شده است که به نظر میزان قابل اعتنایی است. میزان بهره‌مندی از دارایی‌های مرتبط با بخش کشاورزی یعنی زمین، آب و ماشین‌آلات نشان‌دهنده وجود اختلاف معنادار بین دو گروه دارا و فاقد تنوع منابع درآمدی بوده است اما این اختلاف به نفع میانگین بالاتر برای گروه فاقد تنوع بود. توجیه این امر را می‌توان در انگیزش کمتر دارندگان عوامل تولید کشاورزی برای تنوع بخشی به فعالیت‌های کشاورزی جستجو نمود.

جدول ۱۱: میانگین و انحراف معیار درآمد در دو گروه مورد بررسی

میزان درآمد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
خانوارهای دارای تنوع	127	4095598	2476427	143939
خانوارهای فاقد تنوع	127	3818379	2196345	194894

شاخص تملک اتومبیل شخصی نیز نشان‌دهنده درصد تملک بالاتر اتومبیل شخصی در گروه دارای تنوع منابع درآمدی بوده است (۷۳ درصد در برابر ۴۵ درصد در خانوارهای فاقد تنوع منابع درآمدی). دیگر شاخص مهم مورد ارزیابی کیفیت مسکن خانوارهای روستایی بوده است. در این زمینه توجه اصلی به سکونت در واحد مسکونی قدیمی یا نوساز معطوف گردید

زیرا عمده مواردی که در زمینه تحقق مطلوبیت در محل سکونت می‌توان در نظر داشت در منازل نوساز منطقه مورد بررسی برقرار بوده است حال آنکه منازل قدیمی عمدتاً فاقد استانداردهای کیفی حداقلی بوده‌اند. براین اساس مشاهده شد که بیش از ۶۹ درصد خانوارهای دارای تنوع منابع درآمدی در واحدهای نوساز سکونت داشته‌اند در حالی که این رقم برای خانوارهای فاقد تنوع حدوداً برابر ۵۲/۵ درصد بوده است. نتایج آزمون معناداری کای اسکوتر نیز نشانگر معناداری این اختلاف مشاهده شده بین دو گروه مذکور است (Sig.=۰/۰۰۱). برای بررسی رابطه بین نوع فعالیت اقتصادی و کیفیت زندگی روستائیان از آزمون معناداری T test استفاده شد. نتایج حاصل بیانگر وجود اختلاف معنادار در میانگین نمره مربوط به کیفیت زندگی در بین دو گروه برخوردار و فاقد تنوع منابع درآمدی در سطح اطمینان ۹۹ درصد بود (sig.=۰/۰۰۱). مقایسه بین کمیت میانگین دو گروه نشان‌دهنده کسب امتیاز بیشتر در گروه دارای تنوع درآمدی زمینه کیفیت زندگی است. به عبارت دیگر تنوع در منابع درآمدی سطوح بالاتر از کیفیت زندگی را در بین پاسخگویان نتیجه داده است.

جدول ۱۲: میانگین و انحراف معیار متغیر کیفیت زندگی در دو گروه مورد بررسی

کیفیت زندگی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
خانوارهای دارای تنوع	126	17.5831	3.08921	.17986
خانوارهای فاقد تنوع	296	12.3889	3.57541	.31852

برای بررسی میزان آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی از منظر تحقیق دو بُعد عینی و ذهنی آسیب‌پذیری به صورت مجزا مورد توجه قرار گرفت. در بعد عینی ملاک ارزیابی آسیب‌پذیری فرد تعداد دفعات اخذ وام یا قرض نمودن در یک دوره زمانی مشخص برای جبران کمبود منابع درآمدی موجود فرد بود. بر این اساس نتایج حاصل از آزمون معناداری T test نشان‌دهنده تفاوت معنادار در بین میانگین نمره مربوط به شاخص آسیب‌پذیری عینی در دو گروه برخوردار و غیربرخوردار از تنوع در منابع درآمدی است (sig.=۰/۰۰۰). مقایسه میانگین محاسبه شده برای نمره اخذ وام به وضوح نشان‌دهنده اختلاف بین تعداد دفعات اخذ وام به نفع میانگین کمتر برای گروه دارای تنوع منابع درآمدی است.

جدول ۱۳: میانگین و انحراف معیار متغیر میزان آسیب‌پذیری عینی در دو گروه مورد بررسی

خطای استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	آسیب‌پذیری عینی
.10440	1.79619	3.3547	127	خانوارهای دارای تنوع
.17380	1.95858	7.3622	296	خانوارهای فاقد تنوع

در بُعد ذهنی نیز تصور فرد از توان خود برای پشت‌سرگذاشتن نیازهای مالی فوری در مواقع ضروری همچون ازدواج یا بیماری و... ملاک عمل قرار گرفت. در این مورد نیز نتایج حاصل بیانگر اختلاف معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین میانگین نمره شاخص آسیب‌پذیری ذهنی بین دو گروه مورد بررسی است ($\text{sig.} = 0/000$). لازم به ذکر است که طیف مربوط به سنجش آسیب‌پذیری ذهنی دارای حداقل نمره ۲ و حداکثر نمره ۱۰ بود به نحوی که کسب امتیاز بالاتر بالاتر متناظر با تصور فرد از آمادگی بیشترش برای مواجهه مستقل با مصادیق هزینه بر مورد بررسی بوده است. بر این اساس همان‌گونه که در جدول شماره ۱۴ مشاهده می‌شود گروه دارای تنوع در منابع درآمدی دارای میانگین امتیاز بیشتری در این شاخص هستند.

جدول ۱۴: میانگین و انحراف معیار متغیر میزان آسیب‌پذیری ذهنی در دو گروه مورد بررسی

خطای استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	آسیب‌پذیری ذهنی
.09076	1.56156	6.9054	127	خانوارهای دارای تنوع
.15960	1.79860	5.3701	296	خانوارهای فاقد تنوع

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و نتایج به دست آمده از آزمون‌های معناداری در هر دو بُعد عینی و ذهنی آسیب‌پذیری، می‌توان با اطمینان کافی (در سطح معناداری ۹۹ درصد) رابطه بین نوع فعالیت اقتصادی (متنوع یا غیرمتنوع) و میزان آسیب‌پذیری روستائیان را مورد تأیید قرار داد.

با توجه به متغیرهای مورد بررسی این‌گونه می‌توان نتیجه‌گیری نمود که وضعیت خانوارهای دارای تنوع منابع درآمدی مورد از وضعیت مطلوب‌تر و با ثبات بیشتر برخوردار بوده‌اند. این مسأله بویژه در هنگام بروز حوادث نامساعد طبیعی و چالش‌های انسانی، حاشیه امنیت

بالا تری را برای اینگونه خانوارها به دنبال خواهد داشت که نمونه آنرا می توان بویژه در دو سال اخیر مورد توجه قرار داد به طوریکه خانوارهای فاقد تنوع در منابع تولید و درآمد براساس شاخص های مورد بررسی در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار داشته اند زیرا همان گونه که گفته شد بخش اعظمی از اقتصاد شهرستان سمیرم، نواحی روستایی و خانوارهای نمونه (۲۹۶ خانوار) به شدت وابسته به تولید و فروش سیب درختی بوده است و در نتیجه عواملی چون سرمازدگی (۲۰ درصد) و خشکسالی (۵۵ درصد) بخش وسیعی از درآمد خود را از دست داده اند این در حالی است که اگر نوسانات ناشی از صادرات، واردات بی رویه و عدم تنظیم بازار داخلی این محصول را نیز اضافه کنیم به شدت آسیب پذیری این قبیل خانوارها آگاهی خواهیم یافت. نتایج حاصل از مقایسه خط فقر در مناطق روستایی و درآمد خانوارهای مورد بررسی نیز گویای وضعیت نه چندان مطلوب خانوارهای با منابع درآمدی واحد است و نکته ای که لازم است به آن توجه داشت آن است که در بررسی رابطه میزان فقر خانوار و درآمد غیرکشاورزی ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده $0/618-$ بوده است. به بیان دیگر خانوارهایی که دارای چنین منابع درآمدی بوده اند درآمد بیشتر و مطمئن تری داشته، از خط فقر فاصله گرفته و به طور کلی از وضعیت اقتصادی مطلوب تری برخوردار بوده اند. به طور کلی نتایج بررسی درصد خانوارهای فقیر در روستاهای مورد مطالعه عبارتند از:

۱. درصد خانوارهای فقیر در روستاهای دارای منابع درآمد واحد نسبت به سایر روستاها بیشتر است.
۲. درصد خانوارهای فقیر در روستاهایی که محل اسکان عشایر بوده (همچون شیخ علی، چشمه خونی، چشمه رحمان و...) و ظرفیت های جدید اقتصادی در آنها ایجاد نشده بیشتر بوده است.
۳. درصد فقر خانوارهایی که در بخش های غیرکشاورزی نیز فعالیت داشته اند به مراتب کمتر بوده است.
۴. خانوارهایی که سرپرست آنها کارکن بخش کشاورزی هستند دارای بیشترین درصد فقر و آنهایی که در مشاغل غیرکشاورزی مشغول هستند، کمترین درصد فقر را داشته اند.
۵. با افزایش سطح سواد، درصد فقر نیز کاهش پیدا می کند به طوریکه خانوارهای با سرپرست بیسواد بیشترین درصد فقر را دارا هستند.

نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی (از حیث پایداری)

سنجش پایداری محیطی یا به عبارت دیگر پیروی از الگوهای پایدار در بهره‌برداری از منابع طبیعی گستره وسیعی دارد اما با توجه به اشراف محقق پیرامون خصوصیات منطقه مورد تحقیق برای بررسی رابطه بین نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی (از حیث پایداری) و نوع فعالیت اقتصادی (متنوع و غیرمتنوع) چهار شاخص اصلی مورد توجه قرار گرفت که عبارت بودند از میزان مصرف سموم و آفت‌کش‌ها، میزان مصرف انواع کود شیمیایی و حیوانی، سیستم آبیاری مورد استفاده و تنوع زیستی.

نتایج حاصل از بررسی نحوه استفاده از انواع کود، سموم و آفت‌کشها و نوع سیستم آبیاری (مکانیزه و سنتی) که در جدول شماره ۱۵ آورده شده است نشان می‌دهد بجز شاخص مصرف کود حیوانی در سایر موارد تفاوت معناداری بین میزان مصرف انواع کود، سموم و نوع سیستم آبیاری بین دو گروه دارا و فاقد تنوع منابع درآمدی وجود نداشته است. در مورد تنها اختلاف معنادار یعنی میزان مصرف کود حیوانی نیز معناداری اختلاف مشاهده شده را در ارتباط با قرار گرفتن اکثریت خانوارهای دارای دام در گروه دارای تنوع منابع درآمدی دانست.

جدول ۱۵: آزمون T test انواع کود و تنوع منابع درآمدی

کود حیوانی			کود شیمیایی (پتاس)			کود شیمیایی (فسفات)			کود شیمیایی (ازت)			سموم و آفت کشها		
نمره میانگین			نمره میانگین			نمره میانگین			نمره میانگین			نمره میانگین		
فاقد تنوع	دارای تنوع	۲۴۱۲	فاقد تنوع	دارای تنوع	۱۶۵/۷۸	فاقد تنوع	دارای تنوع	۱۷۰/۶۸	فاقد تنوع	دارای تنوع	۷۰/۸۸	فاقد تنوع	دارای تنوع	۳۵/۱۸
t	Df	Sig	t	Df	Sig	t	Df	Sig	T	df	Sig	t	df	Sig
۱۶/۶۷۸	۴۲۰	۰۰۰	۱/۱۷۳	۳۷۶	۰/۲۴۲	-۰/۷۸۵	۳۶۲	۰/۴۳۳	-۱/۴۰۹	۴۱۰	۰/۱۶۰	-۰/۸۱۳	۴۰۹	۰/۴۱۷

نوع سیستم آبیاری مورد استفاده ۱/۶ درصد از خانوارها از نوع مکانیزه و سایر افراد سیستم سنتی بوده است که رابطه معناداری در این شاخص نیز بین دو گروه از خانوارها وجود نداشته است (sig= ۰/۱۴۴). بنابراین می‌توان وجود رابطه بین تنوع فعالیت اقتصادی و نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی (از حیث پایداری) در منطقه مورد بررسی را رد نمود. در عین حال

این نتیجه‌گیری در تناظر با موارد مطروحه مربوط به رابطه بین میزان آسیب‌پذیری افراد و نیز میزان درآمد و ثروت آنها با نوع فعالیت شان بیانگر این واقعیت است که براساس یک چشم‌انداز پایدار محور آنچه در منطقه مورد تحقیق در حال رخ دادن است فدا شدن و یا حداقل مورد کم‌توجهی قرار گرفتن وجوه بین نسلی توسعه پایدار و در مواردی حتی جنبه درون نسلی آن بوده است. نمونه بارز این مسأله در بحرانی شدن میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی و رودخانه دائمی جاری در منطقه پادنا و بهره‌گیری بی‌رویه از اراضی و مراتع موجود جهت ایجاد باغات جدید قابل مشاهده است. به نحوی که این وضعیت به صورتی متناقض نما مزایای اصلی این منطقه در راستای نیل به پایداری محیطی و انسانی را تبدیل به تهدیداتی در جهت برهم زدن تعادل اکولوژیکی در دوره‌های میان مدت و بلندمدت پیش‌رو نموده است. در رابطه با شاخص تنوع زیستی نیز گونه‌های سیب درختی کشت شده در منطقه مورد بررسی قرار گرفت و همان‌طور که در جدول شماره ۱۶ مشخص شده نزدیک به ۹۵ درصد از گونه‌های منطقه را رقم رد و گلدن دلشز شامل می‌شود.

جدول ۱۶: ارقام سیب درختی کشت شده در منطقه مورد مطالعه

رقم سیب	رد و گلدن دلشز	سلطانی	شفیق آبادی	گرانی اسمیت	گالا	فوجی	سایر
درصد کشت	۹۴/۳	۲/۳۱	۱/۷۲	۰/۵۷	۰/۴	۰/۳	۰/۴

نتایج حاصل از کاربرد شاخص شانن در رابطه با تنوع گونه‌ای نیز عدد بسیار پایینی (۰/۳) را نشان می‌دهد که می‌تواند به عنوان یکی از نقاط ضعف بسیار با اهمیت ساختار فعلی کشت به حساب آید زیرا آسیب‌پذیری باغات منطقه را در رابطه با آفات و بیماری‌های گونه‌ای به شدت افزایش خواهد داد و هزینه استفاده از آفت‌کش‌ها و سموم را جهت مقابله با آفات مورد نظر در ابعاد زیست‌محیطی، بهداشتی و اقتصادی افزایش خواهد داد که نمونه‌ای از آن را می‌توان در شیوع وسیع کرم سیب در باغات منطقه مشاهده نمود. در صورتی که رعایت اصل تنوع در این بعد از طریق به کاربرد اصول مبتنی بر بوم‌شناسی آفات (از قبیل چرخه‌های زندگی آفات و روابط صیاد/صید) قابلیت اصلاح مشکلات پیش‌گفته را خواهد داشت. لذا توجه به گونه‌های قابل رشد و کشت با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی منطقه دارای اهمیت است.

نتیجه‌گیری

اقتصاد روستاهای منطقه مورد مطالعه از اواخر دهه ۱۳۴۰ دوران تحول خود را آغاز نموده و از اقتصاد معیشتی و خودبسنده که مبتنی بر دامداری سنتی و زراعت غلات بوده به سمت تولید و فروش محصول برای بازار گرایش پیدا کرده است. به طوری که در حال حاضر به عنوان یکی از مهمترین قطب‌های تولید سیب درختی با کیفیت بالا در سطح ایران و حتی منطقه خاورمیانه شناخته می‌شود و ساختار اقتصادی - اجتماعی منطقه مورد مطالعه به شدت تحت تأثیر این محصول قرار گرفته است که با توجه به مطالعه انجام شده در این تحقیق نسبت به سایر محصولات کشاورزی نیز از مزیت نسبی بالاتری برخوردار بوده است. با این وجود باید دانست که تخصص در تولید محصولی خاص دارای الزاماتی چون بهره‌وری بالاتر عوامل تولید، مکانیزاسیون در تمامی سطوح تولید و پس از تولید، ارتقاء کیفیت نیروی انسانی شاغل در بخش در راستای تغییر نگرش و پویایی در طول زمان و... آن چنان که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته اتفاق افتاده، است که چنانچه چنین تغییرات و سیاست‌گذاری‌هایی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی در راستای تخصصی نمودن کشت در منطقه اعمال گردد امری میمون و پسندیده نیز خواهد بود. اما آنچه در این پژوهش نیز به آن اشاره شد آن است که این منطقه فقط در تولید سیب درختی با کیفیت بالا و در حجم زیاد از برتری لازم برخوردار بوده که در ابتدای امر نیز می‌تواند به عنوان یک مزیت مطلوب در راستای توسعه به آن توجه نمود. اما آنچه در این رابطه لازم به ذکر است آنکه تخصصی شدن در تولید یک محصول همان گونه که بیان شد مستلزم مواردی چون افزایش بهره‌وری از عوامل تولید در سایه استفاده و بهره‌گیری از روش‌های مکانیزه و علمی خواهد بود که یکی از پیامدهای آن آزاد نمودن بخش زیادی از نیروی کار فعلی و بویژه عدم وجود فرصت‌های شغلی جهت تازه واردان روستایی که با توجه به ساختار جمعیتی منطقه تعداد قابل توجهی را نیز شامل می‌شود، است. از دیگر مواردی که باید به آن توجه داشت آن است که تکیه بر کشت یک محصول در سطح گسترده مستلزم وجود آرامش و ثبات نسبی در سایر حوزه‌های مرتبط با تولید و فروش خواهد بود که از این میان می‌توان به مواردی همچون حوزه‌های صادرات و واردات، فروش و بازاریابی، آب و هوا و منابع آبی و... اشاره نمود. در حالی که در هیچ‌یک از این حوزه‌ها در

ابعاد طولانی و کوتاه مدت نمی‌توان نشانی از ثبات و تداوم را مشاهده نمود مصادیق آنرا می‌توان در مواردی چون سرمازدگی محصول و خشکسالی (۱۳۸۷)، وقوع خشکسالی شدید (۱۳۸۸)، واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی توسط بخش‌های دولتی در چند سال اخیر بدون توجه به نیاز و تولیدات داخلی، محدودیت‌های فراوان در صادرات و ورود محصولات ایرانی به کشورهای دیگر و از این قبیل موارد اشاره نمود.

با توجه به چارچوب نظری، مدل تحلیلی و متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق به توصیف و تحلیل وضعیت جامعه مورد تحقیق در دو گروه خانوارهای دارای فعالیت‌های متعدد اقتصادی و خانوارهای فعال در بخش باغداری و تولید سیب درختی پرداخته شد. نتایج این بررسی نشان‌دهنده آن است که خانوارهای گروه اول در برخی از متغیرها در ابعاد اقتصادی و اجتماعی دارای تفاوت معنادار بوده‌اند. به بیان دیگر این خانوارها در ارتباط با متغیرهای مورد بررسی از وضعیت به نسبت مطلوب‌تری برخوردار هستند هرچند که در برخی از موارد نارسایی‌هایی نیز به چشم می‌خورد. اما نکته قابل تأمل آن است که در بعد محیطی تفاوت معنی‌داری بین هیچ‌یک از گروه‌های مورد بررسی وجود نداشته است به عبارت دیگر این حوزه دارای چالش‌هایی بوده است که در صورت عدم سیاست‌گذاری مناسب و کاهش فشار در این بخش چشم‌انداز مناسبی را نمی‌توان برای متغیرهای این بخش متصور بود. آنچه در این ارتباط لازم به تذکر است آنکه در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا نیز علی‌رغم وجود ثبات نسبی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و محیطی اتکاء تولید و درآمد خانوارهای روستایی به یک محصول را به هیچ‌وجه مورد تأکید قرار نداده‌اند. به عبارت دیگر رعایت اصل تنوع را در بخش‌های مختلف مورد تأکید و توجه قرار داده‌اند (در سطح مزرعه، واحد بهره‌برداری، منطقه و کشور). در منطقه مورد مطالعه نیز جهت‌گیری بسوی ایجاد تنوع در هر کدام از سطوح مورد توجه بسیار حائز اهمیت است چرا که اتخاذ چنین راهبردی آسیب‌های وارده ناشی از ناپایداری سایر حوزه‌ها را به نسبت کاهش داده و در نهایت نیز به رشد و توسعه پایدار منطقه کمک خواهد نمود.

مهمترین پیشنهادی که در این ارتباط می‌توان مورد توجه قرار داد آنست که با توجه به قابلیت‌های فراوان منطقه در حوزه‌های گوناگون طبیعی (همچون وجود چشمه‌های متعدد و منابع آبی نزدیک به ۲ میلیارد مترمکعب، موقعیت ارتباطی مناسب و...) و انسانی، سایر

فعالیت‌های اقتصادی همچون دامداری، پرورش طیور و انواع آبیان، گردشگری طبیعی و فرهنگی و غیره در جهت ایجاد اشتغال و درآمد جهت ساکنین می‌توانند مورد توجه قرار گیرند به طوری که برخی از خانوارهای مورد بررسی در این تحقیق که توانسته‌اند از فرصت‌های موجود استفاده کنند از چالش‌های موجود آمده برای خانوارهای مشابه بدور بوده و از کیفیت مطلوب‌تر زندگی برخوردار هستند. در جهت بهبود ساختار اقتصادی فعلی یعنی تولید سیب درختی نیز مواردی همچون ارائه تسهیلات لازم و با سود کمتر به بخش‌های خصوصی جهت ایجاد سردخانه، انبارهای درجه‌بندی و تفکیک محصول، کارخانه‌های فرآوری و تبدیل و غیره باید مورد توجه قرار گرفته و تضمین‌های لازم بویژه در حوزه ثبات قوانین و حمایت‌های مؤثر از تولید مورد تأکید قرار گیرند.

منابع

۱. انویه تکیه لورنس، مقایسه مزیت نسبی صادرات سیب ایران با کشورهای عمده صادرکننده این محصول، اقتصاد کشاورزی و توسعه تابستان، ۱۳۸۶، ۵۸.
۲. بانک جهانی، (۱۳۸۴)، راهبرد توسعه روستایی؛ رویکرد نوین بانک جهانی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۳. جان دلبیو و لانگ ورث، (۱۳۷۹)، توسعه روستایی چین با مقایسه‌های بین‌المللی، ترجمه مصطفی مهاجرانی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۴. خدادادی عباس، (۱۳۸۲)، متنوع‌سازی صادرات و تغییر نرخ مبادله: مورد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۵. دروسنی ژوئل و جون بیشون، (۱۳۷۰)، روش تفکر سیستمی، ترجمه امیرحسین جهانگللو، انتشارات مفهوس.
۶. رضوانی محمدرضا، (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر توسعه روستایی در ایران، نشر قومس.
۷. سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان، (۱۳۸۵)، سیب درختی سمیرم و جنبه‌های صادراتی آن.
۸. طاهرخانی مهدی، (۱۳۷۹)، صنعتی شدن روستا، وزارت جهاد کشاورزی.
۹. قاسمی امراالله، (۱۳۸۴)، عطر سیب: تاریخ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی شهرستان سمیرم، انتشارات دانش حامدون.
۱۰. مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان سمیرم، (۱۳۸۷) آمار سطح زیر کشت انواع محصولات کشاورزی شهرستان سمیرم.
۱۱. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
۱۲. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۲)، سرشماری کشاورزی.
۱۳. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، (۱۳۷۶)، تصویری خاص از کشاورزی ایران.
۱۴. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، (۱۳۸۲)، بررسی مزیت نسبی محصولات کشاورزی منتخب.

۱۵. مؤسسه توسعه روستایی ایران، (۱۳۸۱)، توسعه روستایی، مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران.
۱۶. گلیسمن استغن، (۱۳۸۳)، اگر واکولوژی، مهدی نصیری محلاتی و دیگران، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۷. مهرداد توده‌روستا، (۱۳۸۲)، ایجاد اشتغال در مناطق روستایی راهی بسوی توسعه روستایی و غلبه بر فقر، نشریه جهاد، ۲۵۷.
۱۸. جمعه پورمحمود، (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی.
۱۹. بدری سیدعلی و افتخاری عبدالرضا، (۱۳۸۲)، ارزیابی پایداری مفهوم و روش، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹.
20. Flora C.B,(1990), Sustianability of agriculture and rural communities, John Willey & sons, Newyork.
21. World Bank,(2006), Nonfarm Activity and Rural Income Inequality: A Case Study of Two Provinces in China.
22. World Bank,(2008), Spatial Specialization and Farm-NonfarmLinkages; The World Bank; Development Research Group;Sustainable Rural and Urban Development Team.
23. World Bank ,(1997),The Non-Farm Sector in a Diversifying; Rural Economy(Bangladesh)
24. World Bank,(1995),Rural Nonfarm Employment; Background paper for World Development Report .
25. World Bank,(2000), Gender, Poverty,and; Nonfarm Employment in Ghana and Uganda; The World Bank; Development Research Group, Rural Development and Human Development Network; Social Protection Team, June 2000.
26. World Bank,(2001), Rural Non-Farm Activities; and Rural Development; From Experience Towards Strategy.
27. World Bank,(2001), Nonfarm Income, Inequality, and Poverty in Rural Egypt and Jordan ,The World Bank; Poverty Reduction and Economic Management Network Poverty Division.
28. World Bank,(2005), Rural Reform, Nonfarm Development, and Rural Modernization In China; Dong Fureng.